



## رشد شرکت و تأثیر آن بر رفتار گزارشگری محافظه کارانه‌ی مدیران

علیرضا مهرآذین

استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور mehrazeeen@gmail.com

انیس رحیمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور (نویسنده مسؤل) arahimi34@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۱ \* تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۱۷

### چکیده

از دیدگاه تئوری نمایندگی<sup>۱</sup>، که حقوق و مزایای مدیران را به سود گزارش شده مرتبط می‌کند، مدیران انگیزه‌های قوی برای پنهان کردن اخبار بدی<sup>۲</sup> دارند که موجب کم شدن سود می‌شود. بنابراین می‌توان محافظه‌کاری<sup>۳</sup> را مکانیسمی برای کنترل انگیزه‌های مدیران برای گزارش بیش از واقع سود تلقی کرد. رشد شرکت<sup>۴</sup> از دید بازار سرمایه و مدیریت، متغیر مهمی است و می‌تواند بر رفتار مدیریتی و گزارشگری مدیران تأثیرگذار باشد. از این رو در این پژوهش به بررسی تأثیر رشد شرکت بر محافظه‌کاری حسابداری براساس مدل محافظه‌کاری باسو<sup>۵</sup> پرداخته شده است. جامعه آماری تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که از این جامعه، تعداد ۸۱ شرکت به عنوان نمونه آماری براساس روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انتخاب شده‌اند. دوره مورد بررسی یک دوره نه ساله (۱۳۷۹-۱۳۸۷) و روش آماری مورد استفاده رگرسیون مقطعی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش اعتبار مدل باسو را تأیید نموده و وجود محافظه‌کاری را برای شرکت‌های با رشد کم اثبات می‌نماید. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که مدل تعدیل شده باسو با در نظر گرفتن رشد شرکت از نظر آماری معنی‌دار است. اما برخلاف پیش بینی‌ها، بالا رفتن رشد شرکت تأثیری بر میزان محافظه‌کاری حسابداری نداشته است.

### واژه‌های کلیدی:

محافظه‌کاری، رشد شرکت، مدل باسو، عدم تقارن زمانی.

<sup>۱</sup> - Agency Theory

<sup>۲</sup> - Bad News

<sup>۳</sup> - Conservatism

<sup>۴</sup> - Firm Growth

<sup>۵</sup> - Basu Model(1997)

## ۱- مقدمه

محافظه‌کاری حسابداری یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات و یک میثاق مهم در گزارشگری مالی محسوب می‌شود. محافظه‌کاری مستلزم اعمال احتیاط در شناسایی و اندازه‌گیری درآمد و دارایی‌هاست. با این وجود، علیرغم نقش محوری آن در تئوری و عملیات حسابداری، تعریف جامعی از محافظه‌کاری وجود ندارد. تنها تعریف "رسمی" پیشنهاد شده عبارتست از: "محافظه‌کاری واکنشی احتیاطی در شرایط عدم اطمینان است که سعی می‌کند اطمینان دهد ریسک ذاتی و عدم اطمینان در وضعیت شرکت به قدر کافی مطرح شده است."

با این حال، این تعریف نه تنها ماهیت "عکس‌العمل احتیاطی" مطرح شده بوسیله محافظه‌کاری را به طور کامل مشخص نمی‌کند، بلکه درباره اینکه چگونه چنین عکس‌العملی می‌تواند از نظر گرفته شدن ریسک‌ها به حد کافی اطمینان دهد توضیحی ارائه نمی‌دهد.

تعاریف محافظه‌کاری در متون درسی، بیشتر جنبه توصیفی دارد. اسمیت و اسکوسن (۱۹۸۷)<sup>۶</sup> چنین توصیفی از محافظه‌کاری دارند:

"محافظه‌کاری قاعده‌ای است که بوسیله آن، زمانی که یک بدهی حقیقی با دو یا چند روش گزارشگری متفاوت وجود دارد، روشی انتخاب می‌شود که حداقل تأثیر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام بگذارد."

تعریف توصیفی‌تر از محافظه‌کاری توسط ولک و همکاران (۱۹۸۹)<sup>۷</sup> و استیکنی و ویل (۱۹۹۴)<sup>۸</sup> مطرح شد:

"محافظه‌کاری یک معیار انتخابی بین اصول حسابداری است که منجر به حداقل سود انباشته گزارش شده بوسیله شناسایی کندتر درآمد، شناسایی سریعتر هزینه، ارزیابی کمتر دارایی و ارزیابی بیشتر بدهی می‌شود." (Givoly and hayn, 2000).

کمیته ویژه انجمن حسابداران رسمی آمریکا<sup>۹</sup>، محافظه‌کاری را از طریق طرز عمل حسابداری در شناسایی سود و زیان تعریف می‌کند. به این صورت که زیان‌ها به محض وقوع و نه در زمان تحقق شناسایی شده و سودها تا زمانی که تحقق نیافته باشند شناسایی نمی‌شوند. همچنین در شرایط ابهام، دارایی‌ها کمتر و بدهی‌ها بیشتر ارزیابی می‌شوند.

در متون ارزیابی مبتنی بر حسابداری، محققان اغلب به تعریف فلتهم و اولسون<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۵) از حسابداری محافظه‌کارانه اشاره می‌کنند. به این صورت که انتظار می‌رود خالص دارایی‌های گزارش شده کمتر از ارزش آن در بلندمدت باشد. این تعریف، انعکاس ارزش‌های جاری پیش‌بینی شده به بهای تمام شده حسابداری را به عنوان حسابداری محافظه‌کارانه تلقی می‌کند. زیرا تحلیل‌گران انتظار دارند این سرمایه‌گذاری‌ها کمتر از ارزششان انعکاس یابند. باسو<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را رویه کاهش سود و کمتر نشان دادن دارایی‌ها در پاسخ به اخبار بد و در مقابل بیشتر نمایش دادن دارایی‌ها و سود حسابداری در پاسخ به اخبار خوب تعریف می‌کند.

از نظر بیور و ریان<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۰) محافظه‌کاری اختلاف بین ارزش بازار و ارزش دفتری است که از بابت ثبت و انباشته شدن سود و زیان‌های اقتصادی به ارزش دفتری ایجاد شده است.

پنمن و ژانگ<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۲) محافظه‌کاری حسابداری را انتخاب روش و برآوردی از حسابداری می‌دانند که ارزش دفتری دارایی‌ها را به گونه‌ای بارز، پایین نشان می‌دهد.

واتر (۲۰۰۳a)<sup>۱۴</sup> محافظه‌کاری حسابداری را اینچنین تعریف می‌کند:

<sup>6</sup> - Smith and Skousen .

<sup>7</sup> -Wolk.et.al .

<sup>8</sup> -Stickney and Weil .

<sup>9</sup> -AICPA

<sup>10</sup> -Feltham and Ohlson

<sup>11</sup> -Basu

<sup>12</sup> -Beaver and Ryan

<sup>13</sup> -Penman and Zhang .

<sup>14</sup> -Watts .

" لزوم تفاوت قائل شدن در اثبات پذیری شناسایی سود در مقابل زیان "

طبق این تعریف از محافظه کاری، پیش بینی سودهای آتی بایستی از قابلیت اثبات پذیری بیشتری نسبت به زیانهای آتی برخوردار باشد.

صورت‌های مالی از مهم‌ترین گزارش‌های مالی هستند که مسؤلیت تهیه آن‌ها با مدیران ارشد شرکت‌ها بوده و پس از تهیه، در اختیار استفاده‌کنندگان برون سازمانی قرار می‌گیرند. مدیران شرکت‌ها به عنوان مسؤل تهیه صورت‌های مالی، به طور بالقوه از آزادی عمل خود در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند تا عملکرد خود را مطلوب جلوه دهند، یا از این آزادی عمل در گزارشگری برای منافع شخصی خود بهره‌برداری کنند. انگیزه‌های بیشتر نشان دادن سود از طریق اعمال نظر در گزارشگری می‌تواند ناشی از طرح‌های پرداخت حق‌الزحمه مدیریت مبتنی بر پاداش، طرح‌های حق تقدم خرید سهام، یا میل به تحقق انتظارات تحلیل‌گران بازار در مورد سود پیش بینی شده یا دستیابی به مبلغ بیشتر آن باشد. (Lobo et al., 2008) در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، به منظور متعادل ساختن خوش‌بینی و اعمال نظر مدیران و همچنین ارائه منصفانه صورت‌های مالی، به مفهوم *محافظه کاری* جامه عمل می‌پوشانند. محافظه کاری به عنوان یکی از اصول محدودکننده حسابداری، سالهاست که مورد استفاده حسابداران بوده و علیرغم انتقادات فراوان به آن، همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده است. میزان محافظه کاری اعمال شده در گزارشگری می‌تواند به علت تفاوت در انگیزه مدیران، نوع صنعت، و سایر ویژگی‌های خاص از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت باشد. واتز (۲۰۰۳) ریشه محافظه کاری در گزارشگری مالی را دلایل اقتصادی می‌داند و چهار عامل زیر را در شکل‌گیری آن ذکر می‌کند. به عبارت دیگر وی تفسیرهای متفاوتی از محافظه کاری دارد که شامل موارد زیر است:

- تفسیر قراردادی<sup>۱۵</sup>
- تفسیر دعاوی حقوقی<sup>۱۶</sup>
- تفسیر مالیاتی<sup>۱۷</sup>
- تفسیر قانون‌گذاری<sup>۱۸</sup>

تفسیر قراردادی عنوان می‌کند که تقاضا برای محافظه کاری در قراردادها از بازده‌های نامتقارن بین طرفین قرارداد و عدم تقارن اطلاعاتی بین آنها ناشی می‌شود. دو نوع از قراردادها منجر به حسابداری محافظه کارانه می‌شوند. این قراردادها عبارتند از:

- قراردادهای استقراض، و
- قراردادهای پرداخت پاداش مدیران مبتنی بر سود

اعتباردهندگان و سهامداران، هر یک منافع متفاوتی در توزیع بازده دارند. آنها همچنین منافع متفاوتی در سودها در مقابل زیان‌ها دارند. بازده‌های نامتقارن به همراه مسؤلیت محدود و اطلاعات نامتقارن، برای مدیران انگیزه‌ای فراهم کرده است تا کارهایی را انجام دهند که موجب کاهش ارزش شرکت شود و بتوانند ثروت را از اعتباردهندگان به سهامداران منتقل نمایند (Lafond and Watts, 2006). چنین فعالیت‌هایی شامل پرداخت سود نقدی و سرمایه‌گذاری کمتر از اندازه، جایگزین کردن سرمایه‌گذاری‌های ریسکی با سرمایه‌گذاری‌هایی که اعتباردهنده انتظار ایجاد آن را دارد و استقراض بیشتر برای رقیق کردن ادعای موجود اعتباردهنده است. اعتباردهندگان چنین فعالیت‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند و قراردادهای استقراض را مقید به شرایطی می‌کنند که چنین انتقال‌هایی را محدود می‌کند (Roychowdhury and Watts, 2007). قراردادهای پرداخت پاداش مدیران مبتنی بر سود نیز موجب تقاضا برای محافظه کاری می‌شود. در این‌گونه قراردادها، موقعیت مدیر نسبت به سهامداران همانند موقعیت سهامداران نسبت به اعتباردهندگان در قراردادهای استقراض است. همانند سهامداران، مدیر تنها هنگامی در بازده سهام است که

<sup>15</sup>- Contracting Explanation

<sup>16</sup>- Litigation Explanation

<sup>17</sup>- Income Tax Explanations

<sup>18</sup>- Regulatory Explanation

مقدار آن در سطح معین شده باشد. از این رو، وی نسبت به سود گزارش شده دارای منافعی است. همان گونه که ممکن است سهامداران برای توزیع سود به بیش‌نمایی سود علاقه‌مند باشند؛ مدیر نیز برای بیش‌نمایی سود به منظور دریافت و افزایش پاداش مبتنی بر سود خود انگیزه‌هایی دارد. علاوه بر این، مدیر دارای دوره تصدی محدود و همانند سهامداران، مسؤلیت محدود می‌باشد. پس از انفصال مدیر از خدمت در شرکت، باز یافت اضافه پاداش پرداخت شده، بسیار مشکل است. این امر برای مدیران انگیزه‌ای فرصت‌طلبانه برای بهره‌برداری خصوصی از اطلاعات شخصی و محرمانه خود درباره جریان‌های نقدی آتی و بیش‌نمایی سود و انتقال ثروت از سهامداران به خود ایجاد می‌نماید. محافظه‌کاری، توانایی مدیران را برای استفاده از اطلاعات شخصی و محرمانه خود برای بیش‌نمایی سود، انتقال ثروت و زبان‌های ناشی از این فرایند کاهش می‌دهد (Lafond and Watts, 2006).

بیور (۱۹۹۳) و واتز (۱۹۹۳) هر دو به کارگیری محافظه‌کاری در فعالیت‌های مربوط به اوراق بهادار را مناسب می‌دانند. دلیل این امر، دعاوی حقوقی است که بیشتر به دلیل بیشتر از واقع نشان دادن عایدات و دارایی‌ها ایجاد می‌شوند تا کمتر از واقع نشان دادن آنها. کلاگ دریافت که دعاوی حقوقی خریداران اوراق بهادار علیه حسابرسان و واحدهای اقتصادی بیشتر از دعاوی حقوقی مربوط به فروشندگان اوراق بهادار می‌باشد، به طوریکه نسبت آن سیزده به یک است. از زمانی که حسابرسان و مدیران دریافتند که هزینه‌های دعاوی قضایی مربوط به بیشتر شناسایی کردن سود و دارایی‌ها بیشتر از هزینه‌های مربوط به کمتر شناسایی کردن آنها می‌باشد اشتیاق بیشتری برای کمتر شناسایی کردن آنها یافتند.

سود مشمول مالیات و روش‌های محاسبه آن با سود گزارش شده رابطه دارد و بر نحوه محاسبه آن موثر است. رابطه بین سود مشمول مالیات و سود گزارش شده، انگیزه معوق کردن سود و در نتیجه معوق کردن پرداخت مالیات و کاهش ارزش فعلی مالیات را فراهم می‌سازد. به طور کلی، این انگیزه نیز همانند قراردادها منجر به کم‌نمایی خالص دارایی‌ها می‌شود. رابطه بین سود گزارش شده و سود مشمول مالیات، در تعدادی از شرکت‌هایی که به تازگی در جستجوی باز یافت اضافه پرداخت‌های مالیاتی هستند (مانند شرکت وردکام)، به روشنی دیده می‌شود. این موارد در مسیری مخالف با ایجاد محافظه‌کاری ناشی از مالیات در روش‌های گزارشگری، قرار دارند؛ ولی باید توجه داشت که در موارد تقلب، ملاحظات گزارشگری نسبت به ملاحظات مالیاتی پیشی می‌گیرند.

قوانین، انگیزه‌هایی را برای ارائه صورت‌های مالی محافظه‌کارانه برای شرکت‌ها بوجود می‌آورد. واتز (۱۹۹۷) معتقد بود که ضرر ناشی از ارزیابی بیش از واقع دارایی‌ها و سود، در مقایسه با منافع حاصل از ارزیابی کمتر از واقع دارایی‌ها و سود در فرآیند سیاسی بیشتر مشاهده می‌شود. این پدیده انگیزه‌هایی را برای قانون‌گذاران و استانداردهاگذاران فراهم می‌آورد تا آنان همچنان محافظه‌کار باقی بمانند.

علیرغم جذابیت بالای مبحث محافظه‌کاری جهت انجام پژوهش‌های علمی، این موضوع در ایران مورد توجه چندانی قرار نگرفته و بنابراین پژوهش‌های انجام شده داخلی در زمینه محافظه‌کاری از تنوع بالایی برخوردار نمی‌باشد. بنی مهد (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان «تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری» انجام داد. هدف این پژوهش این بود که اولاً؛ مؤلفه‌های موثر بر محافظه‌کاری در محیط ایران را شناسایی کند و ثانیاً؛ در صورت تحقق هدف اول، الگویی قابل سنجش برای معیار محافظه‌کاری حسابداری ارائه نماید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های مورد بررسی کاهش یافته است. این کاهش به واسطه کاهش در بازده در شرکت‌های مورد بررسی بوده است. شواهد مزبور نشان می‌دهد که کاهش بازده احتمالاً از عدم کاربرد تئوری کارگذاری در ایران و فقدان وظیفه پاسخگویی مدیران می‌باشد.

امیربیگی لنگرودی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری" برای بررسی عدم تقارن زمانی سود، رابطه این معیار را با "نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB)" به عنوان معیار شناخته شده‌ای از محافظه‌کاری، مورد بررسی قرار داد. فرضیه اصلی این تحقیق عبارتست از: رابطه بین معیار عدم تقارن زمانی سود با معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام در پایان دوره برآورد

، برای دوره‌های طولانی مثبت است. یافته‌های تحقیق نشان داد که برخلاف یافته‌های رویچودهای و واتز (۲۰۰۶)، بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و افزایش دوره‌های برآورد نیز باعث مثبت شدن رابطه بین این دو معیار نمی‌شود. بنابراین نتایج این تحقیق همسویی این دو معیار را تأیید نکرد.

بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و سود سال‌های آتی توسط جعفری (۱۳۸۷) نشان می‌دهد که بین محافظه‌کاری با سود عملیاتی سال بعد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین بین محافظه‌کاری با سود عملیاتی دو سال بعد، سود عملیاتی سه سال بعد، جریان وجوه نقد عملیاتی یک سال بعد، دو سال بعد و سه سال بعد رابطه معناداری وجود ندارد.

یافته‌های تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه محافظه‌کاری با راهبری شرکتی و مالکیت مدیریتی حاکی از آنست که از یک سو بین محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و راهبری شرکت یک رابطه مثبت وجود دارد و از سوی دیگر هرچه درصد مالکیت (سهام) مدیران در شرکت بیشتر باشد نیاز به محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. از اینرو همواره یک رابطه منفی بین محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و درصد مالکیت مدیران مشاهده می‌شود (Ahmed et.al, 2002).

میسون<sup>۱۹</sup> در سال ۲۰۰۴ تحقیقی با عنوان "اثر محافظه‌کاری حسابداری بر محتوای اطلاعاتی وجه نقد و ارقام تعهدی" انجام داد. هدف او از این تحقیق، بررسی تجربی کاربرد محافظه‌کاری بر محتوای اطلاعاتی وجه نقد و ارقام تعهدی در چارچوب مدل فلتهم و اولسون (۱۹۹۵) بوده است. نتایج نشان داد که بین محتوای اطلاعاتی در زمینه ارقام تعهدی در مقایسه با وجه نقد و درجه محافظه‌کاری ارتباط مثبت وجود دارد.

مایکل جنلر<sup>۲۰</sup> در سال ۲۰۰۶ دلایل تداوم فعالیت شرکتها را با وجود نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کمتر از یک در طی دوره زمانی طولانی مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که حسابداری غیرمحافظه کارانه، تعداد شرکت‌های با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کمتر از یک ( $MTB < 1$ ) را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر ارزش دفتری دارایی بیش از واقع ارزیابی گردد، موجب می‌شود که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری زیر یک شود و زمانی که شرکت دارایی‌ها را مستهلک می‌کند، این نسبت دوباره به بالای یک می‌رسد. همچنین حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر، منجر به درازای مدت نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری زیر یک ( $MTB < 1$ ) می‌شود. همچنین می‌توان بر طبق یافته‌ها عنوان کرد که افزایش در مالکیت مدیران موجب بهبود این نسبت، و نیز افزایش در خرید سهام توسط خود شرکت موجب افزایش نسبت فوق می‌شود. گرچه این نتیجه نسبتاً ضعیف است.

بررسی اثر محافظه‌کاری حسابداری بر ارزش شرکت نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری در تعیین ارزش شرکتها مؤثر است و در شرایطی که حسابداری محافظه کارانه وجود دارد، رشد شرکت بر نسبت سود سرمایه‌ای شده و ارزش دفتری تأثیر می‌گذارد (Park, 2002). لافوند و واتز (۲۰۰۷) تحقیقی با عنوان "نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری" انجام دادند. آنها در این تحقیق فرضیه‌ای درباره رابطه بین گزینه‌های رشد و محافظه‌کاری ارائه کردند. استدلال آنها این بود که شرکت‌های با محافظه‌کاری بیشتر دارای عدم تقارن اطلاعاتی کمتری میان مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی هستند. نتایج حاصل نشان داد که محافظه‌کاری انگیزه مدیران برای دستکاری ارقام حسابداری و بیش از حد بیان کردن عملکرد مالی را کاهش می‌دهد. بنابراین شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بیشتری را به کار می‌گیرند، با عدم تقارن اطلاعاتی کمتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران روبرو می‌شوند و این موضوع ارزش حقوق صاحبان سهام و ارزش شرکت را افزایش می‌دهد.

لوبو و همکاران (۲۰۰۸) تحقیقی با عنوان "رشد، رفتار گزارشگری مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری" انجام دادند. هدف آنها از این تحقیق بررسی و آزمون فرضیه زیر بود:

شرکت‌های با رشد بالا محافظه‌کاری کمتری از شرکت‌های با رشد پائین دارند.

به عبارت دیگر هدف آنها این بود که با استفاده از یک محرک رفتار گزارشگری (رشد)، تغییرات مقطعی در میزان محافظه‌کاری را بررسی نمایند. ایشان برای آزمون فرضیه فوق از مدل باسو (۱۹۹۷) و روش آماری رگرسیونی در دو دوره مربوط به سالهای

<sup>19</sup> -Mason

<sup>20</sup> -Jonoler

۱۹۹۰-۱۹۶۳ و ۲۰۰۳-۱۹۹۱ استفاده نمودند. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌های با رشد بالا میزان کمتری از محافظه‌کاری را نسبت به شرکت‌های با رشد پایین نشان می‌دهند.

واتر و مظفر خان (۲۰۰۹) در تحقیقی با نام "پیش بینی و بررسی ویژگی‌های تجربی یک معیار سال - شرکت برای محافظه‌کاری" یک معیار جدید (C-Score) برای محافظه‌کاری پیشنهاد کردند و ویژگی‌های آنرا مورد آزمون قرار دادند. نتایج نشان داد که شرکت‌ها با چرخه سرمایه‌گذاری طولانی‌تر، ریسک غیر سیستماتیک بالاتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، محافظه‌کاری حسابداری بالاتری خواهند داشت.

اشتون (۲۰۱۰) تحقیقی با عنوان "محافظه‌کاری و ارزشیابی" انجام داد و در آن با ایجاد یک مدل کلی، ارتباط بین پارامترهای ارزشیابی در مدل سود باقیمانده و ساختارهای مربوط به محافظه‌کاری حسابداری را معرفی کرد. وی بوسیله نسبت دادن پارامترهای سود باقیمانده به دو معیار محافظه‌کاری، یعنی نسبت ارزش بازار به دفتری و معیار C-Score که توسط واتر و خان معرفی شده است، این مدل را آزمون کرد و به این نتیجه رسید که سود گزارش شده، سود غیر عادی و سود مازاد تعدیل شده همگی محافظه‌کاری حسابداری را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

جدول (۱): خلاصه تحقیقات داخلی و خارجی

عنوان تحقیق	نام محقق(محققان)	سال تحقیق	یافته‌های تحقیق
تیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری.	بهمن بنی مهد	۱۳۸۵	به واسطه کاهش بازده دارایی‌ها محافظه‌کاری کاهش می‌یابد و کاهش به علت فقدان وظیفه پاسخگویی مدیران است.
محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری.	امیربیگی لنگرودی	۱۳۸۶	بین عدم تقارن زمانی سود و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و افزایش دوره‌های برآورد نیز باعث مثبت شدن رابطه بین این دو معیار نمی‌شود.
بین محافظه‌کاری و سود سال‌های آتی	جعفری	۱۳۸۷	بین محافظه‌کاری با سود عملیاتی سال بعد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد
حسابداری محافظه‌کارانه و ارزشیابی شرکت	احمد و همکاران	۲۰۰۲	در شرایطی که حسابداری محافظه‌کارانه وجود دارد، رشد شرکت بر نسبت سود سرمایه‌ای شده و ارزش دفتری تأثیر می‌گذارد.
اثر محافظه‌کاری حسابداری بر ارزش شرکت	پارک	۲۰۰۲	محافظه‌کاری حسابداری در تعیین ارزش شرکتها مؤثر است.
اثر محافظه‌کاری حسابداری بر محتوای اطلاعاتی وجه نقد و ارقام تعهدی	میسون	۲۰۰۴	واکنش بازده به ارقام تعهدی برای شرکت‌های با درجه محافظه‌کاری بالاتر بیشتر است.

عنوان تحقیق	نام محقق(محققان)	سال تحقیق	یافته های تحقیق
تداوم فعالیت شرکتها با وجود نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کمتر از یک و ارتباط آن با محافظه کاری	جنر	۲۰۰۶	حسابداری غیرمحافظه کارانه، تعداد شرکتها با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری کمتر از یک ( $MTB < 1$ ) را تحت تأثیر قرار می دهد.
نقش اطلاعاتی محافظه کاری	لافوند و واتر	۲۰۰۷	شرکتها با محافظه کاری بیشتر با عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از گزینه های رشد کمتری بین مدیران و سرمایه گذاران روبرو می شوند.
رشد، رفتار گزارشگری مدیریتی و محافظه کاری حسابداری	لوبو و همکاران	۲۰۰۸	شرکتها با رشد بالا محافظه کاری کمتری از شرکتها با رشد پایین دارند.
پیش بینی و بررسی ویژگی های تجربی یک معیار سال - شرکت برای محافظه کاری	واتر و مظفرخان	۲۰۰۹	شرکتها با چرخه سرمایه گذاری طولانی تر، ریسک غیر سیستماتیک بالاتر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، محافظه کاری حسابداری بالاتری خواهند داشت.
محافظه کاری و ارزشیابی	اشتون	۲۰۱۰	سود گزارش شده، سود غیر عادی و سود مازاد تعدیل شده همگی محافظه کاری حسابداری را تحت تأثیر قرار می دهند.

رشد شرکت از دید بازار سرمایه متغیر مهمی است. نتایج اسکینر و اسلون<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۲) تایید می کند که احتمالاً انگیزه های گزارشگری شرکت هایی با رشد زیاد با انگیزه های شرکت هایی با رشد کم متفاوت است. به طور مشخص، اسکینر و اسلون شواهدی ارائه نموده اند از این که شرکت های با رشد بالا انگیزه قویتری برای پیروی از سیاستهای گزارشگری غیرمحافظه کارانه در ارتباط با مواجهه یا کاهش انتظارات بازار دارند. پس ظاهراً معقول است که بگوییم در صورت مساوی بودن سایر شرایط، شرکت هایی که رشد زیادی دارند احتمالاً در گزارشگری عملکرد سود خود متهورانه تر عمل می کنند. در نتیجه میزان محافظه کاری در گزارشهای مالی آنها کمتر خواهد بود. در این تحقیق سعی بر این است بررسی شود که آیا چنین محرک اقتصادی، یعنی رشد، می تواند مشوق گزارشگری غیرمحافظه کارانه یا به عبارتی متهورانه باشد و از این طریق بر میزان محافظه کاری اثر بگذارد یا خیر و بر همین اساس فرضیه تحقیق به صورت زیر تدوین شده است:

**فرضیه: شرکت های با رشد بالا محافظه کاری کمتری از شرکت های با رشد پایین دارند.**

## ۲- مواد و روشها

روش تحقیق در این پژوهش همبستگی مقطعی است. روش مقطعی از نظر ویژگی زمانی داده ها و روش همبستگی برای تحلیل داده های جمع آوری شده به کار گرفته شده است. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی (مبتنی بر گذشته) در حوزه بازار

<sup>21</sup> -Skinner and Sloan

سرمایه است که بر اساس اطلاعات واقعی بازار سهام و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انجام گرفته است. به منظور جمع‌آوری این اطلاعات از بانک اطلاعاتی تدبیرپرداز و ره‌آورد استفاده شده است.

## ۱-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری این تحقیق بر اساس حذف سیستماتیک و با توجه به شرایط زیر انتخاب شده است:

- ۱- شرکت‌ها حداقل از ابتدای سال ۷۹ در بورس اوراق بهادار تهران مورد پذیرش قرار گرفته باشند.
  - ۲- شرکت‌های انتخاب شده از نوع سرمایه‌گذاری و مالی (بانکها) نباشند.
  - ۳- پایان سال مالی شرکت‌ها ۲۹ اسفند باشد.
  - ۴- شرکت‌های انتخاب شده در فاصله سالهای ۷۹ تا ۸۷ سال مالیشان تغییر نکرده باشد.
  - ۵- شرکت‌های انتخاب شده در طی دوره مورد بررسی توقف معامله نداشته باشند.
  - ۶- شرکت‌هایی که داده‌های آن در دسترس باشد.
- با توجه به مجموعه شرایط فوق، تعداد ۸۱ شرکت در طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ این شرایط را دارا بوده‌اند. بنابراین نمونه آماری این تحقیق ۸۱ شرکت می‌باشد.

## ۲-۲- داده‌های مورد نیاز و چگونگی محاسبه و استخراج آنها

داده‌های مورد نیاز در این تحقیق و نحوه استخراج و محاسبه آنها به شرح زیر می‌باشند:  
**رشد شرکت (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهم در ابتدای دوره):**

برای محاسبه رشد، داده‌های زیر مورد نیاز است:

- ۱- ارزش بازار هر سهم در ابتدای دوره: که از نرم افزارهای تدبیر پرداز و ره‌آورد استخراج شده است.
  - ۲- ارزش دفتری هر سهم در ابتدای دوره: برای بدست آوردن ارزش دفتری نیاز به جمع حقوق صاحبان سهام و تعداد سهام در هر سال بود که از ترازنامه شرکت‌ها و از طریق نرم‌افزارهای دنا سهم و تدبیرپرداز استخراج گردید.
- پس از محاسبه رشد شرکت‌ها برای استفاده از رشد در مدل، نیاز به میانه رشد صنعت بود تا رشد هر شرکت با این مقدار میانه مقایسه گردد. به همین منظور شرکت‌ها در قالب ۱۶ صنعت دسته بندی شده و میانه رشد برای هر صنعت محاسبه گردید. سپس رشد هر شرکت با مقدار میانه سالانه مربوط به صنعت خود مقایسه شده در صورت بیشتر بودن از میانه عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در متغیر مربوط به رشد در مدل قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز برای مدل و بدست آوردن محافظه‌کاری به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- سود عملیاتی: که از طریق کسر بهای تمام شده کالای فروش رفته و سایر هزینه‌های عملیاتی از درآمد یا درآمدهای عملیاتی حاصل می‌شود و از صورت سود و زیان استخراج گردیده است.
- ۲- ارزش بازار هر سهم در ابتدای دوره: که از نرم‌افزارهای تدبیر پرداز و ره‌آورد استخراج شده است.
- ۳- بازده سهام: بازده هر سهم از رابطه ارزش سهم در سال  $t$  منهای ارزش سهم در سال  $t-1$  تقسیم بر ارزش سهم در سال  $t-1$  بدست می‌آید:

$$R_t = (P_t - P_{t-1}) / P_{t-1}$$

با استخراج و محاسبه موارد ذکر شده در بالا به کمک نرم افزار SPSS میزان محافظه‌کاری برای شرکت‌های با رشد پایین و بالا بدست آمده و مقایسه آنها بر اساس فرضیه تحقیق امکان‌پذیر می‌گردد.



## ۲-۳- طرح آزمون آماری فرضیه

برای آزمون آماری فرضیه تحقیق از یک مدل رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده که مبنای اصلی آن از مدل باسو گرفته شده است:

$$E/p = \alpha_0 + \alpha_1 DR_t + \beta_0 R_t + \beta_1 R_t DR_t$$

که در آن:

$E/P$  = عایدات (E) تقسیم بر قیمت سهام (P) در آغاز دوره مالی

$R$  = بازده سهام در طول سال مالی (بازده سهام از تغییر در قیمت بازار محاسبه می شود)

$DR_t$  یک متغیر دومتقداری است. وقتی که  $R < 0$  است برابر یک واحد خواهد بود. همچنین هنگامی که  $R \geq 0$  باشد مقدار آن صفر است.

باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را به عنوان گرایش حسابداران به اعمال درجه بالاتری از اثبات پذیری برای سودها نسبت به زیانها توصیف کرد. وی با استفاده از بازده سهام به عنوان معیاری برای ماهیت اخبار (یعنی خبر خوب یا بد)، معیاری برای محافظه کاری پیشنهاد داد که مبتنی است بر تفاوت ضریب رگرسیون مربوط به بازدههای سهام منفی (اخبار بد) و مثبت (اخبار خوب). به طور خاص، حساسیت بیشتر نسبت به خبرهای بد در مقابل خبرهای خوب نشانه محافظه کاری است. شاخص "عدم تقارن زمانی ( $\beta_1$ )"

مدل آماری تحقیق به صورت زیر می باشد:

$$X_{it}/P_{it-1} = \alpha_0 + \alpha_1 D_{it} + \beta_0 R_{it} + \beta_1 (R_{it} \cdot D_{it}) + \gamma_0 GR_{it} + \gamma_1 (GR_{it} \cdot D_{it}) + \gamma_2 (GR_{it} \cdot R_{it}) + \gamma_3 (GR_{it} \cdot R_{it} \cdot D_{it}) + \varepsilon_{it}$$

در مدل فوق  $X_{it}$  مین سود عملیاتی هر سهم برای سال  $t$  می باشد. با توجه به اینکه در صورت های مالی تهیه شده بر طبق استانداردهای حسابداری ایران عایدات وجود ندارد در این تحقیق از سود عملیاتی به جای آن استفاده شده است.  $P_{it-1}$  بیانگر قیمت سهم در سال  $t-1$  است.  $R_{it}$  بیانگر بازده ۱۲ ماهه است که از چهارمین ماه بعد از پایان سال مالی قبل آغاز می شود.  $D_{it}$  نشان دهنده متغیر دو مقداری است که اگر  $R_{it} < 0$  باشد مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد.  $GR_{it}$  متغیر کنترلی است که اگر مقدار رشد، بالای میانه رشد سالانه صنعت مربوط به شرکت باشد مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می گیرد. برای بدست آوردن رشد از معیار ارزش بازار به ارزش دفتری در ابتدای دوره استفاده شده است. پس از محاسبه رشد با استفاده از معیار ذکر شده، شرکتها در قالب ۱۶ صنعت دسته بندی شده و میانه رشد برای هر صنعت محاسبه می شود. سپس رشد هر شرکت با مقدار میانه سالانه مربوط به صنعت خود مقایسه شده در صورت بیشتر بودن از میانه، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در متغیر مربوط به رشد در مدل قرار می گیرد. در این تحقیق ضریب ( $\beta_1$ ) بیانگر میزان محافظه کاری برای شرکت های با رشد پایین است. ( $\beta_1 + \gamma_3$ ) معرف ضریب حساسیت رابطه بین سود عملیاتی به قیمت سهم با بازده منفی و رشد بالا می باشد. به عبارت دیگر این ضریب، سطح محافظه کاری را در شرکت هایی با رشد بالا اندازه می گیرد. بنابراین تفاوت در معیار محافظه کاری میان شرکتها با رشد کم و رشد زیاد  $\gamma_3$  است. در مجموع اگر مدل فوق مدلی معنی دار با حضور اثر متقابل بازده سالانه سهام و متغیر کنترلی آن باشد می توان پذیرفت که رشد شرکت با محافظه کاری رابطه دارد پس به عبارتی فرضیه زیر بررسی می شود:

$$\begin{cases} H_0: & \gamma_3 \geq 0 \\ H_1: & \gamma_3 < 0 \end{cases}$$

که این فرضیه را می توان به صورت زیر بازنویسی کرد:

- $\left\{ \begin{array}{l} H_0: \\ H_1: \end{array} \right.$
- شرکت‌های با رشد بالا محافظه‌کاری کمتری از شرکت‌های با رشد پایین ندارند.
- شرکت‌های با رشد بالا محافظه‌کاری کمتری از شرکت‌های با رشد پایین دارند.

برای بررسی فرضیه، بعد از مشخص کردن بهترین خط رگرسیون، بر اساس آزمون‌های انجام شده برای ضرایب اظهار نظر می‌نماییم و اگر غیر صفر بودن ضریب اثر متقابل سه متغیر باعث شود فرض صفر رد شود فرضیه جانشین پذیرفته می‌شود.

### ۳- نتایج و بحث

برای برقراری فرضیات بنیادی رگرسیون در مدل به جای  $\frac{X_{it}}{P_{it-1}}$  از  $\log\left(\frac{X_{it}}{P_{it-1}} + 1\right)$  استفاده شده است و همچنین مقادیر پرت متغیر مستقل حذف شده‌اند.

جدول (۲): رگرسیون مدل محافظه‌کاری حسابداری با سو با در نظر گرفتن رشد

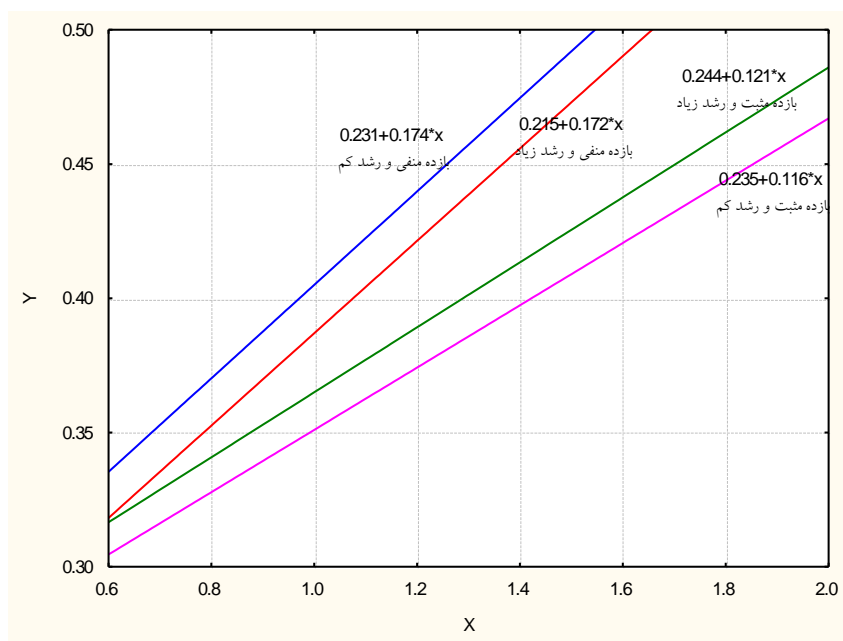
آماره‌های رگرسیون					
					ضریب همبستگی
				۰/۲۹۳	ضریب تعیین
				۰/۰۸۶	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۰۸۱	آزمون معنی‌داری
P_value	F_value	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	۱۸/۹۹۸	۰/۴۱۶	۱/۲۴۹	۳	مدل
		۰/۰۲۲	۱۳/۳۰۷	۶۰۷	خطا
			۱۴/۵۵۶	۶۱۰	کل
برآورد پارامترها					
P_value	T_value	انحراف استاندارد	برآورد		
۰/۰۰۰	۲۶/۱۷۲	۰/۰۰۹	۰/۲۳۵	Intercept	
۰/۰۲۳	-۲/۲۷۵	۰/۰۰۹	-۰/۰۲۰	D	
۰/۳۳۸	۰/۹۵۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	GR	
۰/۰۰۰	۵/۷۴۷	۰/۰۲۰	-۰/۱۱۶	R	
۰/۴۱۴	۰/۸۱۷	۰/۰۰۹	-۰/۰۰۷	D*GR	
۰/۰۰۵	۲/۷۹۶	۰/۰۲۰	۰/۰۵۶	D*R	
۰/۷۹۲	۰/۲۶۴	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	GR*R	
۰/۸۶۳	-۰/۱۷۲	۰/۰۲۰	-۰/۰۰۳	D*GR*R	

بر اساس جدول آنالیز واریانس، مدل از نظر آماری معنی دار می باشد. بر این اساس مقادیر بازده بیشترین تاثیر را بر سود عملیاتی به قیمت هر سهم می گذارد:

$$\begin{aligned} \log \left( \frac{X_{it}}{P_{it-1}} + 1 \right) &= 0.235 - 0.020D_{it} + 0.116R_{it} + 0.056D_{it} \times R_{it} \\ &+ 0.009GR_{it} + 0.007GR_{it} \times D_{it} + 0.005GR_{it} \times R_{it} \\ &- 0.003GR_{it} \times R_{it} \times D_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

یا به عبارتی داریم:

$$\log \left( \frac{X_{it}}{P_{it-1}} + 1 \right) = \begin{cases} 0.231 + 0.174 \times R_{it} & \text{بازده منفی و رشد بالا} \\ 0.215 + 0.172 \times R_{it} & \text{بازده منفی و رشد پایین} \\ 0.244 + 0.121 \times R_{it} & \text{بازده مثبت و رشد بالا} \\ 0.235 + 0.116 \times R_{it} & \text{بازده مثبت و رشد پایین} \end{cases}$$

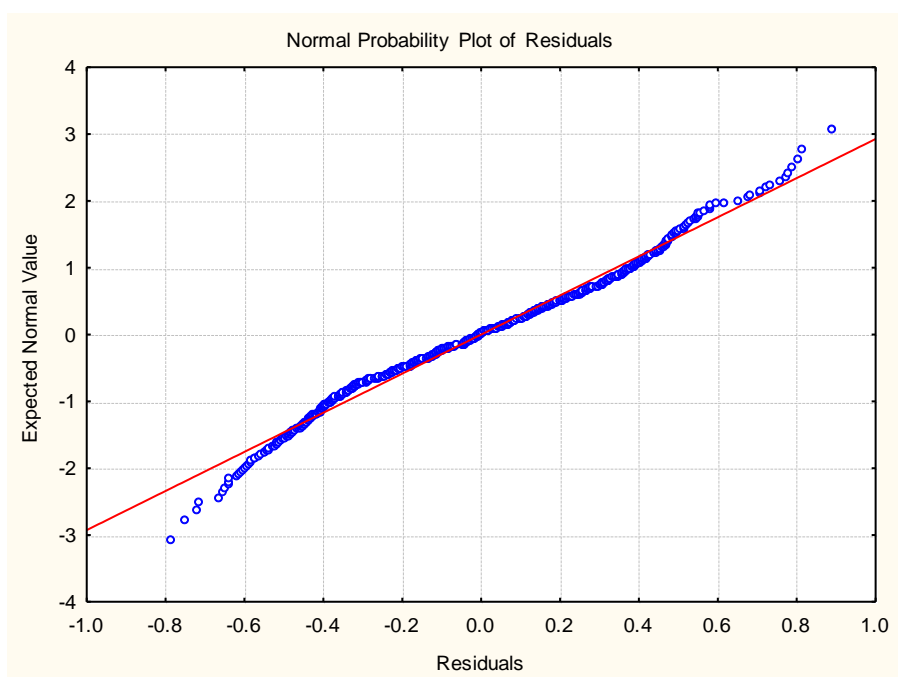


شکل (۱): نمودار مقایسه‌ای بازده و رشد

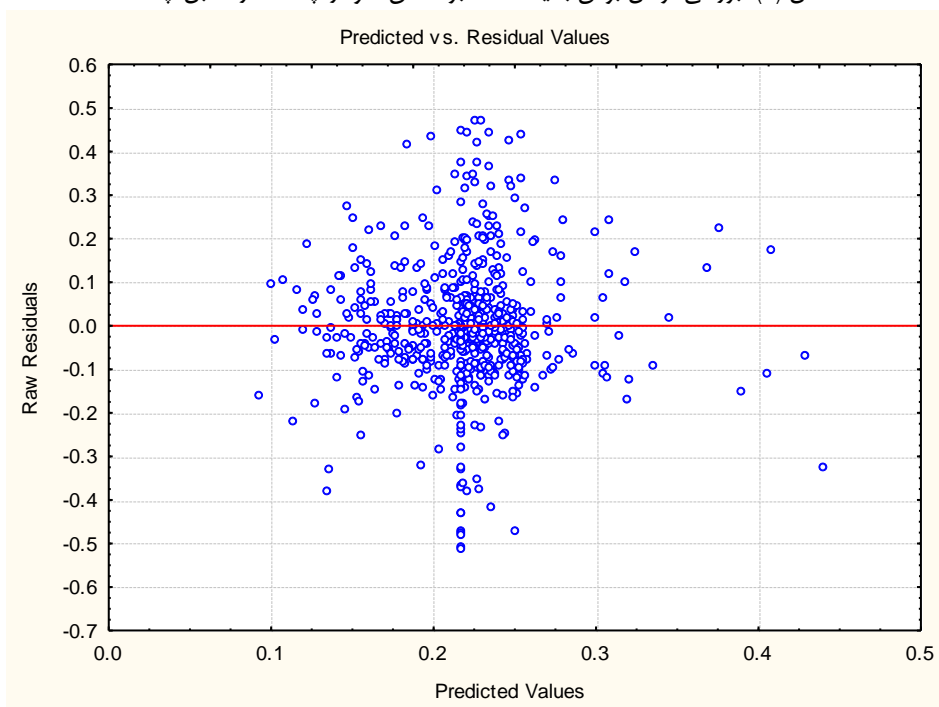
به عبارت دیگر شرکت‌ها رشد تاثیر چندانی در مدل ندارد (شیب خط تغییر زیادی ندارد) و پایین و بالا بودن رشد تاثیر زیادی نمی گذارد. اما منفی یا مثبت بودن بازده تاثیری زیادی (شیب خط تغییر زیادی دارد) بر مدل می گذارد.

### ۱-۳- بررسی مناسبت مدل

نمودارهای زیر نرمال بودن نسبی باقیمانده‌ها را تایید می‌کنند و ثابت بودن واریانس اثبات می‌شود و آماره دوربین-واتسن ( $D-W=1/673$ ) نیز عدم همبستگی باقیمانده را بیان می‌کند.



شکل (۲): بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها بر اساس نمودار چندک در مقابل چندک



شکل (۳): بررسی ثابت بودن واریانس باقیمانده‌ها بر اساس نمودار برآوردها در مقابل باقیمانده‌ها

با توجه به مبانی نظری تحقیق در زمینه میزان محافظه کاری در مدل تعدیل شده باسو، انتظار می‌رود که ضریب  $\beta_1$  مثبت باشد. به عبارت دیگر میزان محافظه کاری برای بازده‌های منفی ( $\beta_0 + \beta_1$ ) احتمالاً باید بیشتر از محافظه کاری برای بازده‌های مثبت ( $\beta_0$ ) باشد. همچنین ضریب  $\gamma_3$  باید علامت منفی داشته باشد که بیانگر کاهش محافظه کاری برای شرکت‌های با رشد بالاست.

با توجه به آزمون F و P-value برابر ۰/۰۰۰، مدل تعدیل شده باسو با توجه به رشد شرکت از نظر آماری معنی‌دار است. همچنین با توجه به مقادیر به دست آمده برای پارامترها، بازده مثبت (اخبار خوب) و پس از آن بازده منفی (اخبار بد) بیشترین تاثیر را بر نسبت سود عملیاتی به قیمت سهام در ابتدای دوره گذاشته‌اند. وجود محافظه کاری برای شرکت‌های با رشد پایین تایید شده است. زیرا معیار عدم تقارن زمانی باسو ( $\beta_1$ ) مقداری با علامت مثبت است (۰/۱۷۳) که نشان دهنده افزایش شیب خط بازده - سود عملیاتی / قیمت سهام در اثر وجود اخبار بد می‌باشد. مقدار برآورد شده برای پارامتر مربوط به رشد ( $\gamma_3$ ) مقداری برابر (۰/۰۰۳-) است که می‌تواند نشان دهنده کاهش محافظه کاری در شرکت‌های با رشد بالا باشد. اما از آنجا که براساس آزمون T، و آنالیز واریانس، p-value مربوط به پارامترهای رشد، برابر (۰/۸۶۳) بدست آمده که بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، و همچنین از آنجا که تمامی متغیرهای مربوط به رشد با انجام عملیات رگرسیون پسرو از مدل حذف شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت متغیر رشد براساس داده‌های تحقیق جایی در مدل باسو نداشته است و علامت منفی بدست آمده مربوط به پارامتر  $\gamma_3$  به صورت تصادفی حاصل شده است. در نتیجه فرضیه تحقیق با این مضمون که با افزایش رشد شرکت، محافظه کاری حسابداری کاهش می‌یابد تایید نشده است. به عبارت دیگر برخلاف پیش بینی‌های صورت گرفته، رشد شرکت با اینکه متغیر مهمی در تعیین خط مشی مدیران در تصمیم‌گیری‌های آنها می‌باشد، براساس آزمون‌های انجام شده تاثیری بر محافظه کاری حسابداری نگذاشته است. تحقیقات قبلی تأثیر رشد بر محافظه کاری حسابداری را تایید نموده‌اند. لوبو و همکارانش نشان دادند که شرکت‌های با رشد بالاتر محافظه کاری کمتری از شرکت‌های با رشد پایین دارند. یافته‌های این تحقیق بر خلاف پیش‌بینی نشان داد که افزودن متغیر رشد به مدل محافظه کاری باسو بر اساس جامعه و نمونه آماری تحقیق از توجیه کافی برخوردار نبوده و به عبارت دیگر نمی‌توان گفت رشد شرکت تأثیری بر میزان محافظه کاری در گزارشگری مالی می‌گذارد. البته باید توجه کرد که مدل‌های محافظه کاری تنوع زیادی داشته و هریک به جنبه‌های خاصی از آن توجه نشان می‌دهد. بنابراین ممکن است اضافه کردن متغیر رشد به مدل‌های دیگر محافظه کاری و یا کاربرد چند مدل در کنار یکدیگر به نتایج متفاوتی از آنچه در این تحقیق انجام شده بیانجامد. علت پذیرفته نشدن فرضیه ممکن است به معیار استفاده شده برای رشد - یعنی ارزش بازار به ارزش دفتری سهام مربوط باشد. زیرا از آنجا که افزایش سرمایه در ایران به ارزش اسمی انجام می‌شود ممکن است اطلاعات استخراج شده از ترازنامه مربوط به ارزش دفتری سهام با آنچه در واقعیت وجود دارد همخوانی کاملی نداشته باشد. به علاوه ممکن است عوامل دیگری به غیر از رشد شرکت بر این معیار تاثیر گذار بوده باشد.

## منابع

- 1- Ahmed, A.S, Billing, B.k, Morton, M., Harris, M.2002, The role of accounting conservatism in mitigation bondholder- shareholder conflicts over dividend policy and reducing debt costs, The Accounting Review. 77:867-890
- 2- Amirbeigi langerui, H.2007. Conservatism in Financial Reporting: The Relation between Asymmetric Timeliness of Earnings and MTB Ratio. The Iranian Accounting and Auditing Review.52: 89-106
- 3- Ashton, D.2010. Valuation and conservatism. AAA-2010 Financial And Reporting Section (FARS) paper.
- 4- Banimahd, B.2006. Presentation of a Model for Measuring Accounting Conservatism. Islamic Azad University, Science and Research Branch.

- 5- Basu, S.1997.The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earning, *Journal of Accounting and Economics*. 24(1):3-38
- 6- Basu, S. 2005.Discussion of conditional and unconditional conservatism:concepts and modeling . *Review of Accounting Studies*, 10:311-321
- 7- Beaver, W., Ryan, S.2000 Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book – to - market ratio to predict book return on equity, *Journal of Accounting Research*, 38(1):127-148.
- 8- Felthame , G., Ohlson, J.1995.Valuation and clean Surplus accounting for operating and financial activities,*Contemporary,Journal of Accounting Research*,11(2) :689-731.
- 9- Financial Accounting Standard Board (FASB), 1980, Qualitative characteristics of accounting information, *Statement of financial Accounting concepts*, No.2.
- 10- Givoly, D., Hayn, C.2000.The changing time – series properties of earnings, cash flows and accruals:has financial reporting become more conservative.*Journal of Accounting and Economics*,29:287-320.
- 11-Khan, M., Watts, R.2009.Estimation and Empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism.*Journal of Accounting and Economics*.Forecasting.
- 12-Jafari, S.2008.Conservatism and future income.Islamic Azad University of Neishabour.
- 13- Jonoler, M.2006.The continuing existence of firms with a market – to – book ratio less than 1. Published Ph.D Dessertation. The Washington University.
- 14-Lafond, R., Watts, R.L.1989.The information role of Conservatism.Massachusetts of technology.
- 15- Lobo, G.J., Siraramakrishnan, K., and Pathasarathy, K.2008.Growth,managerial reporting behavior and accounting conservatism. *International Journal of Accounting*,31:411-440.
- 16- Mason, L.2004.The impact of accounting conservatism on the magnitude of the differential information content of cash flows and accruals.*Journal of Accounting,Audit & Finance*. 19(3):249-282.
- 17- Park, Y.2002.The effect of accounting conservatism on firm valuation. *Accounting and Business Research*.28 (2): 20 -31.
- 18-Penman, S., and Zhang, X.2002. Accounting conservatism the quality of earning and stock returns. *The Accounting Review*.32:237-264.
- 19-Roychowdhury, S., Watts, R.L.2007.Asymmetrie timelinessof earnings market-to-book and conservatism in financial reporting. *Journal of Accounting and Economies* . 44:2-31.
- 20- Skinner, D.J., Sloan, R.G.2002.Earnings surprises,growth expectations and stock returns or don't let on earnings torpedo sink your portfolio. *Review of Accounting Studies*.7:289-312.
- 21- Watts, R.L. 2003 a. Conservatism in accounting part I: Explanations and implications, *Accounting Horizons*, 17:207-221.
- 22- Watts, R.L.(2003b). Conservatism in Accounting part II:Evidence and research opportunities, *Accounting horizons* .18:287-301
- 23- 24- Zhang, X.J. 2000.Conservative accounting and equity valuation, *Journal of Accounting and Economics* .29:125-149.